

# رستم علی شاهی

محمدحسن سمسار

رئیس موزه هنرهای تزئینی ایران

زیبا و آراسته در دسترس ماست ، طی قرون و اعصار دگرگونی‌های بسیار بخود دیده است.

پس از واژگون شدن شاهنشاهی ساسانی ، و اسلام پذیرفتن ایرانیان ، دگرگونی‌های بسیار در ایران پدید آمد. از جمله این دگرگونیها گسترش خط کوفی در ایران بود.

خط کوفی در آغاز چون مهمانی ناخوانده مورد بی‌مهری ایرانیان قرار داشت ، زیرا جانشین خط ملی و مذهبی ایران یعنی پهلوی و اوستائی محسوب می‌شد.

اما نیازمندی به آن ایرانیان را ناچار ساخت که خواندن و نوشتن آن را بیاموزند ، بدون آنکه به هنر خوشنویسی توجهی داشته باشند.

دیری نپائید که ایرانیان برتری فرهنگی ، سیاسی و حتی نظامی خود را بر تازیان ثابت کردند.

از آن پس در همه امور تحولات تازه پدید آمد . از جمله فکر ایجاد خطی که برابر ذوق لطیف ایرانی و عاری از خشونت و سختی خط کوفی باشد جان گرفت.

خوشنویس نامور محمدبن علی فارسی مشهور به «ابن مقله» پیشگام این دگرگونی بود .

هم او بود که از خط کوفی خطوطی چون محقق و ریحان و ثلث را پدید آورد .

اگرچه خون پاک او که سرشار از

بیش از هزار سال است که سرانگشت توانای خوشنویسان ایرانی ، بر سینه‌ی پر نیانی کاغذ ، و سیمای فیروزه‌ای کاشی ، و دل سخت سنگ ، به نقش آفرینی پرداخته است.

حاصل این تلاش پیگیر امروز زینت بخش موزه‌ها ، کتابخانه‌ها ، بناها ، و مجموعه‌های خصوصی صاحبان ذوق در سراسر جهان است.

هنر پر بار خوشنویسی که هر قطعه‌اش را چون «ورق زر» می‌برند ، مدیون خوشنویسان نامور و گمنامی هستیم که طی سده‌های بسیار عشق به هنر سرانگشت توانای آنان را نیرو بخشید ، تا سیاهی مو را به سپیدی کاغذ بیازند و با قلم نیبین گلزاری چنین دلنشین بپردازند. در این راه پر نشیب و فراز هیچ مانعی آنان را از رسیدن به مقصود باز نداشت. چه بسیاری از آنان که در این راه جان باختند ، و چه بسیاری از آنان که هنر را تنها برای هنر خواستند ، و از لذات گذران زندگی چشم پوشیدند ، و برترین لذت را در آفرینش آثار جاودان ، و اعتلای هنر خوشنویسی جستجو کردند.

آنچه امروز به صورت کتابهای پر بها و قطعات خط خوش در دست ماست ، حاصل عمر پر بار این هنرمندان است.

هنرمندانی که هستی خود را ذره ذره در رنگ حروف و کلمات دمیدند ، تا آنها را هر چه زیباتر و موزون‌تر بر صفحه کاغذ نقش بندند.

خط خوش فارسی که امروز چنین

عشق میهن بود سرانجام بر خاک ریخت،  
 اما همین خون جوشان بود که درخت  
 پر بار هنر خوشنویسی را بارور کرد.  
 میراث پربهای او را پیروانش تا  
 اوج کمال و جمال به اعتلا کشاندند.  
 دگرگونی بنیادی دیگر در سده  
 هشتم هجری، بدست خوشنویس نامور  
 دیگری بنام میرعلی تبریزی «واضع»  
 پدید آمد. شیوه او که بخط نستعلیق مشهور  
 شد خطی است که پس از او باوج زیبایی  
 و کمال پختگی رسید، و هنرمندان ناموری  
 چون سلطان علی مشهدی، میر علی  
 هروی، شاه محمود نیشابوری، و سرانجام  
 میرعماد سیفی آن را چنان بزور کمال و  
 جمال آراستند که «عروس خطوط»  
 نامیده شد.

جستجوی کمال در کار خوشنویسی  
 هم چون چشمه خشکی ناپذیری همواره در  
 خون گرم خوشنویسان ایرانی جوشان بوده  
 است.

گفتگو در پیرامون هنر خوشنویسی  
 و تاریخ خوشنویسان ایران در این گفتار  
 بر بختن بحر در کوزه ماند.

اما بمصداق آنکه :

آب دریا را اگر نتوان کشید.

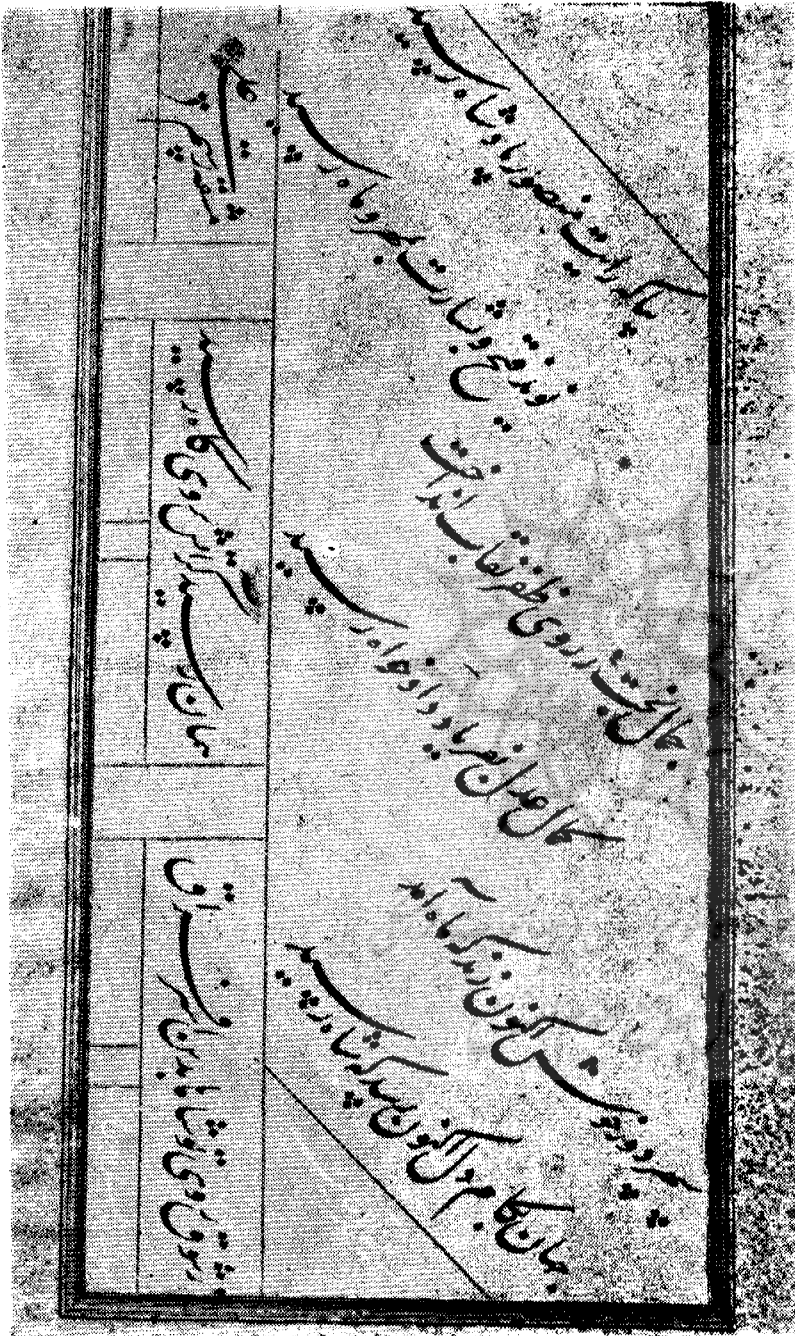
هم بقدر تشنگی باید چشید.

ضروری است که به پاس آن همه

تلاش و کوشش از این هنرمندان نامور و  
 گمنام یاد شود.

گفتیم که میراث پربهای خوشنویسی  
 را مدیون خوشنویسان بسیاری هستیم ،  
 که چهره تابناک شمار کمی از آنها دیگران  
 را در پرتو خویش محو کرده، و به —  
 فراموشی سپرده تابدانجا که نام آنها را  
 تنها در تذکره ها میتوان یافت.

روی سخن ما در این گفتار متوجه  
 خوشنویس توانائی است، که تند باد



۱ - قطعه خط نستعلیق با رقم «مشقه رستم علی شاهی» بتاریخ ۹۴۵ هـ . ق .

زمان آثار گرانهای او را چنان پراکنده ساخته که تعداد بسیار کمی از آثار وی بر جای مانده است. وی رستم علی شاهی یا رستم علی خراسانی است.

زنده یاد دکتر مهدی بیانی در بخش اول کتاب پسر ارزش «احوال و آثار خوش‌نویسان» که ویژه شرح حال نستعلیق نویسان میباشد، از دو رستم علی نام میبرد.

نخست رستم علی خراسانی، و دیگر رستم علی شاهی.

چون تنها شمار کمی از خوانندگان گرامی مجله، کتاب یاد شده را در دسترس دارند، بهتر آنست که برای بهره‌گیری بیشتر خوانندگان شرح حال این دو نفر هم چنانکه در کتاب آمده عیناً نقل شود.

#### رستم علی خراسانی :

«خواهرزاده بهزاد نقاش معروف بود. نستعلیق را خوش مینوشت و در کتابت خفی و جلی مهارت داشت. صاحب مناقب هنروران ویرا شاگرد سلطانعلی مشهدی دانسته‌است و صاحب قواعد خطوط گوید که در وادی دریافت شیوه سلطانعلی، ویرا بنا طولی بود. اوایل از کاتبان کتابخانه بهرام‌میرزای صفوی (متوفی سال ۹۵۶) بود و پس از درگذشت این شاهزاده، مدت هفت سال در سنین پیری در کتابخانه فرزند هنرمندش ابوالفتح سلطان ابراهیم میرزا (۹۴۶ - ۹۸۴) در مشهد بکار کتابت مشغول بود.

صاحب عالم‌آرای عباسی و خلاصه التواریخ نیز وی را از کاتبان دوره شاه تهماسب و قرین شاه محمود نیشابوری شمرده‌اند.

از شاگردان صدیق رستم‌علی نام

فرزند هنرمند او محب‌علی نائی را ذکر کرده‌اند.

صاحب صنعتگران و خوشنویسان هرات درباره رستم علی، سخن به درازا کشیده و نتیجه گرفته است که وی در هرات نشوونما یافته و در دربار سلطان حسین بایقراء بخدمت کتابت مشغول بوده و پس از زوال سلطنت او به فارس (مقصود ایران است) سفر کرده است. درباره تاریخ درگذشت رستم علی تتبع کرده است که: باید در حدود سال ۹۳۵ تا ۹۴۲ در گذشته باشد، ولی صاحب گلستان هنر ترجمه احوال او را خلاف آنچه در خوشنویسان هرات آمده ضبط کرده و سال وفات او را مصرحاً ۹۷۰ آورده است.

#### رستم علی شاهی :

«ترجمه احوال ویرا نیاورده‌اند و معلوم نیست که همان رستم علی مذکور باشد، زیرا که تاریخ وفات رستم علی خراسانی را صریحاً سال ۹۷۰ ضبط کرده‌اند. و آنچه از آثار خطوط موجود رستم علی شاهی استنباط میشود وی باید سالها پیش از این تاریخ در گذشته باشد که شیوه او شیوه خطوط دوره سلطانعلی مشهدی است. بعلاوه: شاهی رقم می‌کرده است و رستم علی خراسانی کاتب کتابخانه بهرام‌میرزا و ابراهیم میرزای صفوی بوده است که هیچیک عنوان شاه‌نما داشته‌اند. دور نیست که وی از اقران سلطان علی قاینی و عبدالرحیم و عبدالکریم خوارزمی و از خوشنویسان دربار سلطان یعقوب آق قویونلو (۸۸۴ - ۸۹۶) باشد و به آن مناسبت «شاهی» رقم میکرده که خط او بشیوه خوشنویسان دربار سلطان یعقوب نزدیک است :

آنچه بخط او دیدیم عبارتست از : هشت قطعه در مرقع‌های مختلف بقلمهای دو دانگ و نیم دودانگ و کتابت خوش بارقم «مشقه رستم علی شاهی غفر ذنوبه» و «مشقه رستم علی» در کتابخانه دانشگاه استانبول دو قطعه از مرقع سید احمد مشهدی به قلم دو دانگ و نیم و نیم دو دانگ خوش بارقم : «مشقه رستم علی غفر ذنوبه» در کتابخانه حزینه اوقاف استانبول :

چهارده قطعه از مرقع بهرام‌میرزا بقلم‌های سه دانگ و دو دانگ و نیم دو دانگ و کتابت خوش غالباً با مرکب الوان که بعضی رامظفر علی قاطع بریده است و یکی رقم دارد «بفرموده حضرت شاه، جهت ابراهیم دوات‌دار، نوشته‌شد. مشقه رستم علی الشاهی غفرالله ذنوبه و ستر عیوبه» و بقیه «کاتبهای رستم علی و قاطعها مظفر علی» و «مشقه رستم علی الشاهی» در همان کتابخانه .

هم‌چنانکه گذشت استاد ارجمنند شادروان دکتر بیانی بر اساس منابع مورد بررسی و آثار مشاهده شده از دور رستم علی نامبرده است. در حالی که در منابع و مأخذ قدیمی به نام بیش از یک رستم علی برنمی‌خوریم و آن هم رستم علی خراسانی است .

بنظر نگارنده این هر دو رستم علی یعنی «رستم علی خراسانی» و «رستم علی شاهی» یک نفرند. برای روشن شدن موضوع لازم است منابعی که در آنها از رستم علی نامبرده شده مورد بررسی قرار گیرد.

این منابع به ترتیب عبارتند از:

۱ - گلستان هنر - از قاضی میراحمد منشی قمی متولد بسال ۹۵۳ - که تا سال ۱۰۱۵ زنده بوده است. قاضی



میراحمد مینوید :

«مولانا رستمعلی خواهرزاده استاد بهزاد نقاش بود و نسخ تعلیق را خوش مینوشت و کاتب خوب بود در اوایل در کتابخانه نواب عفران پناه بهرام میرزا میبود و در آخر پیری هفت سال دیگر در کتابخانه پسرش نواب ابوالفتح سلطان ابراهیم میرزا نورالله مرقده در مشهد مقدس انور بسر میبرد و در آنجا رحلت کرد. و در جنب مزار مولانا سلطانعلی شهدی مدفون گشت.

«فی شهور سنه ستین و تسعمائه ۲ - عالم آرای عباسی - اسکندربیک ترکمان در ذکر خوشنویسان عصر شاه تهماسب می نویسد :

«از زمره خوشنویسان که در آن عصر قلم نسخ بر خطوط سایر استادان کشیده از نستعلیق نویسان جمعی بودند که در آن حین جهان فانی را بدرود کرده بودند از آن جمله مولانا عبدی نیشابوری و مولانا شاه محمود زرین قلم و مولانا دوست هراتی و مولانا رستمعلی خواهرزاده استاد بهزاد و منصور حافظ باباجان تربتی و مولانا مالک دیلمسی قزوینی که سرآمد روزگار و خوشنویسان عصر بودند.»

۳ - محمود بن محمد نویسنده کتاب قواعد خطوط از رستمعلی نام میبرد و می نویسد:

« و از متأخرین کسی که تنوع خط مولانا میرعلی بروجه مرغوب نموده مولانا مالک دیلمی است که جامع خطوط و فنون علم بوده و در اول به تعلیم خطوط اصل از پدر خود مولانا کبیر شهرت یافته و در شهور سنه اربع و اربعین و تسعمایه (۹۴۴) که مولانا رستم علی و نادره زمان حافظ باباجان که در وادی

یافت خط مولانا سلطان علی ایشان را بد طولی بود در دارالسلطنت قزوین بودند از ایشان تعلیم خط مضبوط القواعد اکثر - الفواید نستعلیق گرفته از آنوقت باز تا زمان رحلت پیوسته به کتابت و نوشتن قطعات اشتغال داشت » .

۴ - نویسنده ناشناس کتاب خلاصه التواریخ که در نیمه دوم سده هجری و همزمان با رستم علی میزیسته تنها بیادآوری نام او بسنده کرده و می نویسد :

« در این زمان ملاشاه محمود نیشابوری خفی نویسی بی مثل و مانند است و کتابت او بهتر از کتابت این جماعت است که مذکور شده و ملا عبدی نیشابوری که استاد ملاشاه محمود است و ملا رستم علی و مولانا دوست که هر دو از خراسانند و قرینه یکدیگرند و مولانا مالک قزوینی در این آخر ترقی کرد که او بهتر از رستم علی و ملا دوست است » .

۵ - از متأخرین مصطفی عالی در کتاب «مناقب هنروران» و علی احمد نعیمی در کتاب «صورتگران و خوشنویسان هرات در عصر تیموری» از رستم علی نام برده اند.

نویسنده مناقب هنروران مینویسد:

که وی از شاگردان سلطان علی مشهدی است و «همانطوری که از اسمش ظاهرست در وقت خود پهلوان این فن بود. دوالش کوپال رستم و کلک دو زبانش ذوالفقار علی علیه السلام» .

در کتاب «صورتگران و خوشنویسان هرات در عصر تیموری» شرح مفصلی درباره زندگی رستم علی به رشته تحریر آمده که ذکر تمام آن ضروری نیست . نویسنده کتاب ، تاریخ مرگ او را در حدود سنه ۹۳۵ - ۹۴۲ دانسته که این

نادرست است .

زیرا سال مرگ او را قاضی میر احمد منشی که خود از معاصرین رستم علی بوده ۹۷۰ ذکر کرده است . گذشته از آن ، منابع دیگر نیز زنده بودن او را تا سال ۹۷۰ تأیید میکنند .

از آن جمله است مقدمه مرقع بهرام میرزای صفوی ، و مقدمه مرقع حسین بیک که از آنها یاد خواهد شد .

بدین سان می بینیم که در همه منابع قدیم و جدید تنها از رستم علی خراسانی نام برده شده ، و نامی از رستم علی شاهی نیست .

بررسی آثار موجود که رقم رستم علی (چه بدون عنوان شاهی و چه با عنوان شاهی دارد یکی بودن این دو خوشنویس را ثابت میکند .

چنانکه گذشت هشت قطعه از آثار رستم علی در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه استانبول ، و شش قطعه از آثار او در کتابخانه خزینه اوقاف همان شهر وجود دارد. از بررسی این آثار نتایج زیر بدست می آید:

۱ - کلیه خطوط دارای يك شیوه کتابت یعنی شیوه سلطان علی مشهدی است .

۲ - بعضی از قطعات «رستم علی شاهی» و بعض دیگر «رستم علی» رقم شده است .

۳ - يك قطعه تاریخ دار در میان آنها موجود است (عکس شماره ۱) که بسال ۹۴۵ ه . ق . کتابت شده است .

این بررسی یکی بودن دو رستم علی را ثابت میکند .

یقین دارم که اگر شادروان دکتر بیانی متوجه تاریخ قطعه نامبرده گردیده بود، تردید او در مورد یکی بودن دو

رستم‌علی برطرف می‌گردید.  
زیرا دور از واقعیت است که  
اگمان بریم دو رستم‌علی با یک شیوه خط  
در یک زمان و یک مکان میزیسته‌اند.  
استاد ارجمند در شرح حال رستم  
علی شاهی نوشته‌اند:

«از آثار خطوط موجود رستم‌علی  
شاهی استنباط میشود، وی باید سالها  
پیش از این تاریخ (۹۷۰) درگذشته باشد  
که شیوه او شیوه خطوط دوره سلطان  
علی مشهدی است. بعلاوه شاهی رستم  
می‌کرده است و رستم‌علی خراسانی کاتب  
بهرام میرزا و ابراهیم میرزای صفوی  
بوده است که هیچ‌یک عنوان شاه‌نداشته‌اند»

میدانیم که سلطان علی بسال ۸۴۱  
متولد شده و به سال ۹۲۶ هـ. درگذشته  
و رستم‌علی بسال ۹۷۰ درگذشته است و  
باز میدانیم که بنا به نوشته قاضی میراحمد  
وی «در آخر پیری هفت‌سال دیگر در  
کتابخانه ابراهیم میرزا در مشهد مقدس  
انور بسر میبرد».

اگر زمان پیری او را سنی حدود  
۷۰ سالگی بدانیم، تولد رستم‌علی زمانی  
در حدود ۹۰۰ خواهد بود.

بنابراین رستم‌علی در جوانی هم‌عصر  
با سلطان‌علی مشهدی بوده، و از مکتب  
او بهره گرفته و بنا به نوشته کتاب قواعد  
خطوط رستم‌علی از خوشنویسانی است که  
شیوه سلطان‌علی را بوجه «مرغوب»  
پیروی کرده است.

بنابراین جای شگفتی است که چرا  
شادروان دکتر بیانی که خود شیوه کتابت  
رستم‌علی را شیوه سلطان‌علی مشهدی دانسته  
نوشته است که «وی باید سالها پیش از  
این تاریخ (۹۷۰) درگذشته باشد».  
در حالی که چنانکه گذشت یکی از همین  
خطوط مورد بحث دارای تاریخ ۹۴۵ هـ.

است. گذشته از آن پیروی از شیوه و  
مکتب سلطان‌علی مشهدی پس از مرگ  
او نه تنها منسوخ نشده بلکه رایج‌تر  
گردیده، زیرا شاگردان او به تدریج به  
اوج کمال و قدرت و شهرت رسیده‌اند.

اما در این مورد که رستم‌علی  
چون در کتابخانه‌های بهرام میرزا و  
ابوالفتح ابراهیم میرزای صفوی بکار  
اشتغال داشته نمیتواند عنوان «شاهی»  
داشته باشد نیز جای گفتگوست. زیرا رستم  
علی تمام مدت عمر را در این دو کتابخانه  
بسر نه برده است. از مدت خدمت او در  
کتابخانه بهرام میرزا آگاهی نداریم.

اما مدت خدمت او در کتابخانه  
ابراهیم میرزا در مشهد مشخص است.  
بنا به نوشته قاضی میراحمد «در آخر  
پیری هفت سال دیگر در کتابخانه سلطان  
ابراهیم میرزا .... در مشهد مقدس انور  
بسر میبرد» بنظر میرسد که مدت خدمت  
وی در این کتابخانه کوتاهتر از هفت‌سال  
بوده زیرا ابراهیم میرزا بسال ۹۶۴ هـ.  
به مشهد رفت و رستم‌علی بسال ۹۷۰ در  
مشهد درگذشت.

بدیهی است که تمام مدت هفتاد  
سال زندگی تقریبی رستم‌علی رانمیتوان  
محدود به دوران کوتاه بسر بردن در  
کتابخانه این دو شاهزاده صفوی محدود  
کرد.

نتیجه آنکه رستم‌علی بخش مهمی  
از عمر خود را در دربار شاه تهماسب و در  
کتابخانه او به کتابت مشغول بوده است.  
دلایل و شواهد روشن و بسیاری بر این  
امر موجود است که مهمترین آنها بشرح  
زیر است:

۱ - مقدمه مرقع بهرام میرزای  
صفوی که بدست دوست محمد هروی  
خوشنویس نامدار عصر تهماسب تهیه و

تنظیم گردیده است. (ابوالفتح بهرام میرزا  
شاهزاده هنردوست صفوی از فرزندان  
شاه اسماعیل اول و برادر شاه تهماسب  
بود.)

دوست محمد هروی به هنگام تنظیم  
این مرقع مقدمه مفصلی شامل تاریخ  
پیدایش خط و تکامل آن، و هم چنین  
اسامی خوشنویسان و نقاشان و مذهبیان و  
دیگر هنرمندان کتابخانه شاه تهماسب بر  
آن نوشته است.

از آن جمله در «ذکر کتاب  
کتابخانه شریفه‌اعلی همایون که بحسن‌خط،  
اقلیم خط یک قلمه، قلمرو ایشانست» که  
در آن بذکر نام خوشنویسان کتابخانه شاه  
تهماسب پرداخته مینویسد:

«اول زبده‌النوادر بالاستحقاق و  
عمده‌الکتاب فی‌افاق، محتاج بلطف‌معبود،  
مولانا شاه محمود ....»

دیگر عمده‌الکتاب فی‌الزمان و  
نگارنده خط جلی و خفی مولانا کمال‌الدین  
رستم‌علی که در رنگه‌نویسی زینت کتاب  
زمانست و بحسن و تمکین سرآمد دوران  
است».

می‌بینیم که دوست محمد بلافاصله  
پس از شاه محمود از رستم‌علی نام میبرد  
و این مقام رستم‌علی را در کتابخانه‌شاه  
تهماسب میرساند. این مرقع بسال ۹۵۲ در  
تبریز تهیه و تنظیم گردیده است زیرا در  
این سال هنوز پایتخت صفویه به قزوین  
منتقل نگردیده بود. به‌علاوه نوشته دوست  
محمد در شرح حال بهزاد به این امر  
صراحت دارد.

«... نادرالعصر، استاد کمال‌الدین  
بهزاد است و تعریف و توصیف مومی‌الیه  
بر قوم قلم عجایب او در این مرقع  
ظاهرست و بشرف ملازمت کتابخانه عطارد  
آشیا نه‌اعلی حضرت سکندر حشمت‌جمع

جاه دین پناه ... السلطان ابوالمظفر شاه  
طهماسب الصفوی الموسوی الحسینی بهادر  
خان مشرف گشته وانواع رعایت ترتیب  
یافته و هم درین آستان ملایک پاسبان  
ودیعت حیات سپرده و در جنب مقبره  
شکرگفتار شیرین معال، معدن وجد  
و حال شیخ کمال، نورالله مرقد، در  
تبریز آسوده ....)

۲ - بر مرقعی که توسط مالک دیلمی  
و به دستور امیر حسین بیک خزانه دار دربار  
شاه تهماسب صفوی تهیه گردیده مالک  
مقدمه ای نوشته و در آن به ذکر تاریخچه  
خط و نام هنرمندان نقاش و خوشنویس  
پرداخته است .

در همین مقدمه مالک مینویسد:  
« و سردفتر استادانی که این مرقع  
بخط شریفشان مزین است جناب استاد  
الماهرین .... و افتخار المعاصرین ....  
مولانا سلطان علی المشهدی است ....  
..... و جناب مولانا رستم علی زید  
برکانه که نادره عصر او اندند » .

تاریخ این مرقع را مالک دیلمی  
چنین نوشته است :

مرقعی که حسین بیک کرده است انشاء  
پی نظاره آن مهر طلعت مهوش  
سفینه ایست مزین به صورت و معنی  
جریده ایست مرصع بجهروتیغش (بیغش)<sup>۱</sup>  
پی حساب بتاریخ این خجسته رقم  
بچشم لطف نگر در مرقع دلکش  
که به حساب ابجدسال ۹۶۸ میشود.  
ماده تاریخ دیگری در پایان مرقع بدین  
شرح آمده است.

چون حسین بیک از کرم ترتیب داد  
این کتاب جانفزای دلگشا  
شد گلستانی که گلهايش بود  
قطعه های باصفای دلگشا  
کرد مالک بهر تاریخش رقم  
گلشنی از قطعه های دلگشا

که مصراع آخر این قطعه نسیز  
در صورتی که (ه) (قطعه) بحساب نیاید  
۹۶۸ میشود .

این مرقع چنانکه از تاریخ آن  
برمی آید پس از انتقال پابخت از تبریز  
به قزوین (۹۵۵ هـ) ترتیب یافته است .  
۳ - وجود يك قطعه خط کاغذ  
بری شده بخط رستم علی و قطاعی مظفر  
علی که نقاش دربار شاه تهماسب بوده  
است .

۴ - وجود قطعه دیگری که ذیل  
آن نوشته شده است « بفرموده حضرت  
شاه جهة ابراهیم دوات دار نوشته شد » و  
عنوان شاهی را نیز بنام خود افزوده است .  
با این شواهد صریح و روشن مسلم  
است که رستم علی از کاتبان کتابخانه  
شاه تهماسب صفوی بوده و داشتن عنوان  
« شاهی » و رقم کردن آن امری  
طبیعی و قابل توجیه است .  
هم چنان که بسیاری از هنرمندان  
دیگر دربار شاه تهماسب چون مظفر علی

۱- در کتاب تیغش چاپ شده که نادرست  
است و بایستی بیغش باشد .

۲ - قطعه خط نستعلیق - با رقم «مشقه رستم علی شاهی»



از داشتن چنین عنوانی بهره‌ور بوده‌اند.  
بر پایه آنچه گذشت زندگی رستم  
علی را میتوان بشرح زیر خلاصه کرد.

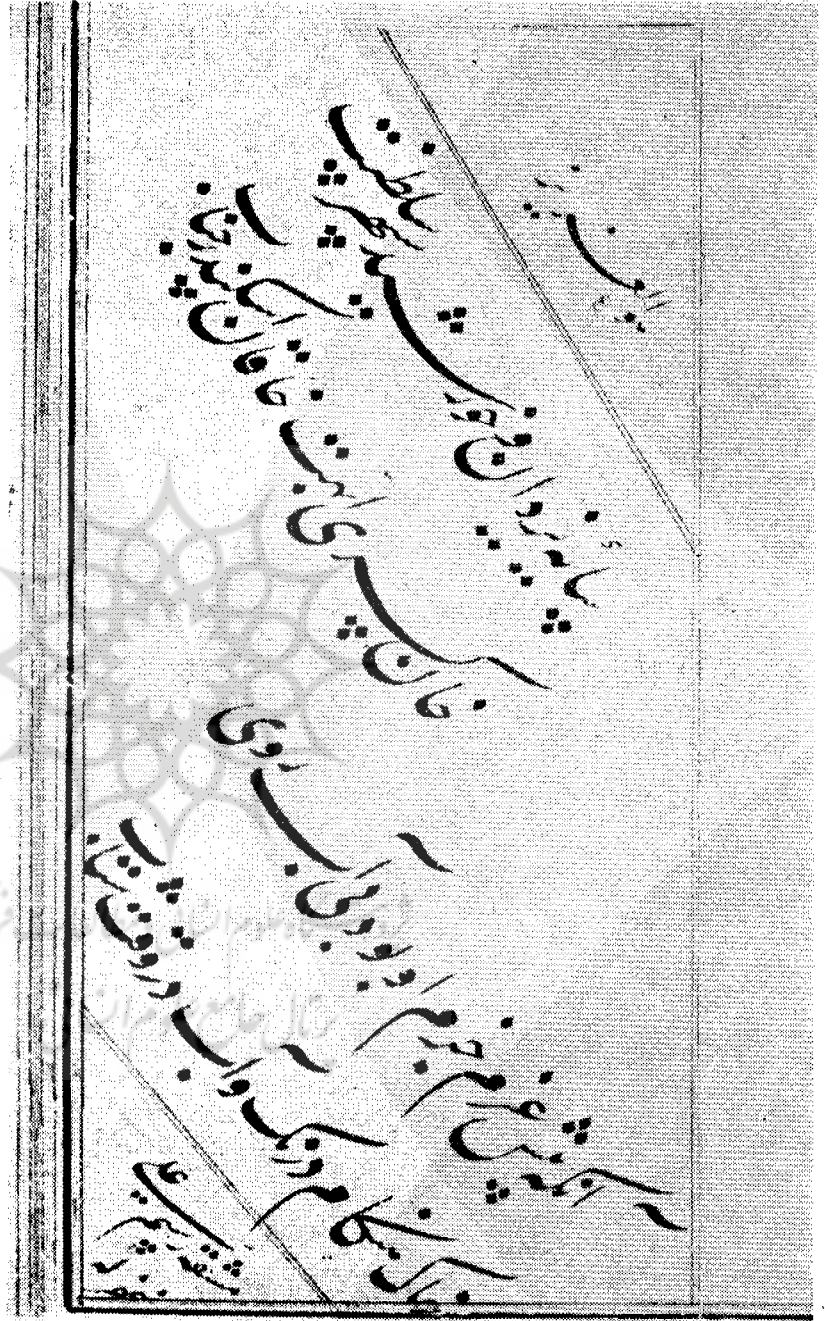
رستم علی حدود سال ۹۰۰ هـ .  
در هرات بدنيا آمد. او خواهرزاده  
كمال‌الدین بهزاد نقاش نامور عصر  
تیموری و صفوی بود .

از روزگار جوانی او هیچ‌نمی‌-  
دانیم ، اما آنچه مسلم است آنکه او نیز  
چون دائی خود کمال‌الدین بهزاد در  
محیط هنرپرور هرات با هنرمندان هم‌نشین  
بود و استعداد او در محیط مساعد هرات  
پرورش یافت .

پس از فرو افتادن تیموریان، شمار  
بسیاری از هنرمندان هرات همراه شاه  
اسماعیل اول به تبریز آمدند و تبریز  
بصورت مرکز بزرگ هنری زمان درآمد.

رستم علی به احتمال زیاد همراه  
بهزاد به تبریز منتقل شد. زیرا وجود  
كمال‌الدین بهزاد و مقام والای او در  
دربار شاه اسماعیل انگیزه خوبی برای  
این سفر به حساب می‌آید. اینکه رستم‌علی  
در چه زمانی به کتابخانه بهرام میرزای  
صفوی پیوسته است، پرسش ما بدون  
جواب می‌ماند. زیرا بجز نوشته قاضی  
میراحمد هیچ مدرکی از این پیوستگی  
در دست نداریم و اونیز در این باره سخنی  
نمی‌گوید.

و نیز نمیدانیم که رستم علی از چه  
زمانی در زمره کاتبان کتابخانه شاه تهماسب  
صفوی درآمد است . تنها نوشته دوست  
محمد هروی در مقدمه مرقع بهرام میرزا  
نشان میدهد که تا سال ۹۵۲ وی در کتابخانه  
شاهی مشغول کتابت بوده ، و بنابراین  
عنوان «شاهی» را در این زمان داشته  
است. و نیز میدانیم که بسال ۹۴۴ هـ .  
رستم علی مدتی در قزوین بسر برده ،



۳- قطعه خط نستعلیق با رقم «مشقه رستم‌علی غفرله» بتاريخ ۹۴۵ هـ . ق.

زیرا نوشته کتاب قواعدالخطوط بر این امر صراحت دارد .

در همین مدت اقامت رستم علی در قزوین بود، که مالک دیلمی از رستم علی تعلیم خط میگرفت.

سال های آخر عمر رستم علی نیز در مشهد مقدس سپری گردید. بدین سان که بسال ۹۶۴ هـ . که ابراهیم میرزا از سوی شاه تهماسب به حکومت خراسان منصوب گردید ، رستم علی را همراه با خود به مشهد مقدس برد . وی تا پایان عمر خود یعنی سال ۹۷۰ هـ . در این شهر بسر می برد و در همین شهر نیز در کنار گور استادش سلطان علی مشهدی بخاک سپرده شد .

همان گونه که غبار تیره روزگار چهره درخشان این هنرمند توانا را چنان پوشانده، که آگاهی بر احوال او برای ما بسیار مشکل است ، آثار او را نیز دست روزگار چنان پراکنده ساخته که بجز شمار کمی از آنها در دست ما باقی نیست. این قطعات نیز همراه کتابها ، به خارج از ایران انتقال یافته است .

نگارنده را گمان بر آنست که بیشتر آثار رستم علی که در کتابخانه ابراهیم میرزا گرد آمده بود، پس از قتل ایسن شاهزاده هنرمند و هنرپرور ، همراه با دیگر آثار نفیس کتابخانه و مجموعه او بدست همسر باوفایش گوهر سلطان برای آنکه بدست شاه اسماعیل دوم قاتل شوهرش نیفتند از میان رفته است.

شرح قطعات :

قطعه اول (عکس شماره ۱)

لخواجه حافظ شیرازی علیه الرحمه  
والمغفره

بیا که رایت منصور پادشاه رسید  
نوید فتح و بشارت بمهر و ماه رسید  
جهان بخت ز روی ظفر نقاب انداخت  
کمال عدل بفریاد دادخواه رسید  
سپهر دور خوش اکنون زند که ماه آمد  
جهان بکام دل اکنون رسد که شاه رسید  
زشوق روی تو شاها بدین سرا (ی) فراق  
همان رسید کزاتش بروی گاه رسید .  
صبا بگو که چها بر سرم درین غم عشق  
ز آتش دل سوزان و دود آه رسید  
مرو بخواب که حافظ بیارگاه قبول  
ز ورد نیم شب و آه صبحگاه رسید  
فی شهور سنه خمس و رابعین و  
تسمایه (۹۴۵) .

مشقه رستم علی شاهی

قطعه دوم (عکس شماره ۲)

ای کرده عمارتی بدین زیبایی

یارب که ازوکام و تمتع بینی

صد گنج درو بکام دل خرج کنی

صد سال درو بعاقبت بنشینی

مشقه رستم علی شاهی غفرذنوبه  
قطعه سوم - داخل جمله (صفحه شعر ماه)  
هوالعزیز

شاه ز شهان برده سبق خواهی بود

در دفتر عقل سر ورق خواهی بود

گر حادثه گیرد همه اطراف جهان

شك نیست که در پناه حق خواهی بود

\*\*\*

عید تو و دولت تو بر مزید

عید تو چون بخت تو بادا سعید

مشقه رستم علی شاهی

قطعه چهارم (عکس شماره ۳)  
هوالعزیز

سایه یزدان و خورشید سپهر سلطنت  
خان کسری ابهت خاقان اسکندر جناب  
آنکه پیش عزم جزم او بود بی آب روی  
خاک هنگام درنگ و آب در وقت شتاب  
مشقه رستم علی شاهی غفر له

\*\*\*

با سپاس بسیار از آقای حسام الدین  
آق سو کتابدار محترم کتابخانه دانشکده  
ادبیات دانشگاه استانبول و دوستان  
ارجمند آقایان دکتر محمد رضا نصیری،  
یحیی ذکاء ، خانم منیره بیانی، و فاضل  
ارجمند آقای سید جعفر سلطان القرائی.

منابع:

احوال و آثار خوش نویسان -  
نستعلیق نویسان - از شادروان دکتر  
مهدی بیانی - چاپ دانشگاه تهران.  
گلستان هنر - از قاضی میراحمد  
منشی قمی - به تصحیح و اهتمام احمد  
سهیلی خوانساری - از انتشارات بنیاد  
فرهنگ ایران .

قواعد خطوط - از محمود بن محمد  
عالم آرای عباسی - از اسکندر بیگ

ترکمان

خلاصه التواریخ - از نویسنده

ناشناس

مناقب هنروران - مصطفی عالی

صورتگران و خوشنویسان هرات -

علی احمد نعیمی